

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



امر به معروف و نهی از منکر

فلسفه امر به معروف و نهی از منکر

چرا باید امر به معروف و نهی از منکر
کنیم؟

معروف = نیکی و خوبی

منکر = بدی و زشتی

کلمه معروف از ماده « عرف » به معنای شناخته شده و منکر به معنای نادانسته و ناشناخته است (مفردات فی غریب القرآن)

در اصطلاح معروف به چیزی گفته می شود که حسنش از نظر شارع و یا عقل محرز و شناخته شده است. چنانکه راغب می گوید: « والمعروف اسم لكل فعل يعرف بالعقل او الشرع حسنه والمنکر ما ینکر بهما » معروف در اصطلاح اسم است برای هرکاری که حسنش به وسیله عقل و یا شرع شناخته شده و منکر چیزی است که به وسیله آنها مورد انکار قرار گرفته و ناشناخته مانده است. (مفردات فی غریب القرآن، کلمه عرف و نکر)

بنابراین امر به معروف و نهی از منکر شامل فعل واجب و حرام و مستحب و مکروه است (نه مباح متساوی الطرفین) که در صورت اول امر و نهی واجب و در دو صورت دوم مستحب و مکروه است



منکر چیست و اگر مانع تحقق آن نشویم چه می شود؟

وقتی میکروب به بدن حمله می کند،

گلبولهای سفید او را محاصره می کنند،

تا نگذارند میکروب ها وارد بافت های بدن شده و آسیب برسانند.

در محل این مقابله درد، سوزش و تورم بروز می کند.

این درد و سوزش هشدار و دستوری است که بدن را از کاری که موجب موفقیت میکروب ها می شود

باز می دارد و به مقابله با میکروب وادار می کند.

اما گاهی میکروب ها یا ویروس هایی موجود دارند که دستگاه ایمنی بدن را از کار می اندازند و باعث

غافلگیری و مرگ بدن می شوند، مثل ویروس ایدز که در ابتدا هیچ علامتی ندارد و به مرور با از کار

انداختن سامانه ایمنی بدن امکان عکس العمل دفاعی را از بین می برد و با خنثی ماندن سامانه

دفاعی بدن در برابر میکروب ها، باعث مرگ می شود.

مُنکر یک میکروب است اگر مهار نشود وارد بافت جامعه می شود و به جامعه

آسیب می رساند. جامعه ای که در آن منکر نهی نمی شود مثل بدن آلوده به

ایدز و فاقد سامانه ایمنی می باشد.



معروف چیست و اگر به آن امر نکنیم چه می شود؟

وقتی آب بدن کاهش پیدا می کند و بدن نیاز به آب پیدا می کند و کمبود آب ممکن است به بدن ضرر برساند، سلولهای بدن نسبت به این نیاز واکنش نشان می دهند و شبکه اعصاب با هشدارهایی بصورت عطش، به بدن دستور نوشیدن آب را می دهد.

**معروف، مثل آب است که برای ادامه حیات جامعه ضروری است .
جامعه ای که در آن امر به معروف نمی شود مانند بدن فاقد شبکه
عصبی است و لذا از تشنگی خواهد مُرد.**

● **جامعه هم یک موجود زنده است، اگر گلبول های
مقابله با میکروب یا سلول های هشدار دهنده ی
نیازهای ضروری، در جامعه وجود نداشته باشد
جامعه به نابودی کشیده می شود.**

- قال رسول الله (صلى الله عليه و آله):
- إذا لم يأمروا بمعروف ولم ينهوا عن منكر ولم يتبعوا الأخيار من أهل بيتي، سلط الله عليهم شرارهم، فيدعوا عند ذلك خيارهم فلا تستجاب لهم
- هرگاه (مردم) امر به معروف و نهی از منکر نکنند، و از نیکان خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدانشان را بر آنان مسلط گرداند و نیکانشان دعا کنند اما دعایشان مستجاب نشود.

(امالی صدوق، ص ۲۵۴)

با این همه ضرورت و اهمیت،

چرا ما امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنیم؟

اغلب واجبات الهی معارضی ندارند و عمل به آنها را حت تر است، نماز، روزه، خمس، زکات، حج و ... به خود فرد مربوط است و طرف مقابلی ندارند؛ اما در واجباتی مانند امر به معروف و نهی از منکر و جهاد که طرف مقابل وجود دارد کار قدری سخت تر است؛ لذا بسیاری از مسلمانان برای انجام ندادن این واجبات به دنبال بهانه هستند و سعی می‌کنند عذری برای خود بتراشند. در قرآن آیات متعددی در مورد طفره روندگان از جهاد آمده است. امر به معروف و نهی از منکر نیز چنین است و علت اصلی مهجور بودن این فریضه مهم الهی همین است. برای رواج فریضه امر به معروف و نهی از منکر و خارج کردن این واجبات از انزوا لازم است علل این مهجوریت را بشناسیم و بهانه‌های ترک آن را بدانیم.

به تو چه مربوط؟!؟!

- بعضی وقت ها ممکن است بگوئیم گناه یا ترک معروف دیگران، به خودشان مربوط است، بمن چه مربوط؟!؟!
- یا کسی که مورد امر و نهی می گیرد بگوید به تو چه مربوط؟!؟!
- جواب این سؤال را شهید مطهری از پیامبر اسلام نقل می کند.

گروهی از مردم در یک کشتی سوار شدند و کشتی، سینه دریا را می شکافت و می رفت. هر یک از مسافران در جایگاه مخصوص خود نشسته بودند. یکی از مسافران به عذر اینکه اینجا که نشسته ام جایگاه خودم است و تنها به خودم تعلق دارد، با وسیله ای که در اختیار داشت به سوراخ کردن همان نقطه پرداخت. اگر سایر مسافران همانجا دست او را گرفته و مانع می شدند، غرق نمی شدند و مانع غرق شدن آن بیچاره نیز می شدند.

(مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری - ج ۱۷ - جامعه چیست؟ - ص ۳۳۲)



بی تفاوتی نسبت به منکرات و ترک معروفات جامعه را به ناپودی می کشاند.

۱- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

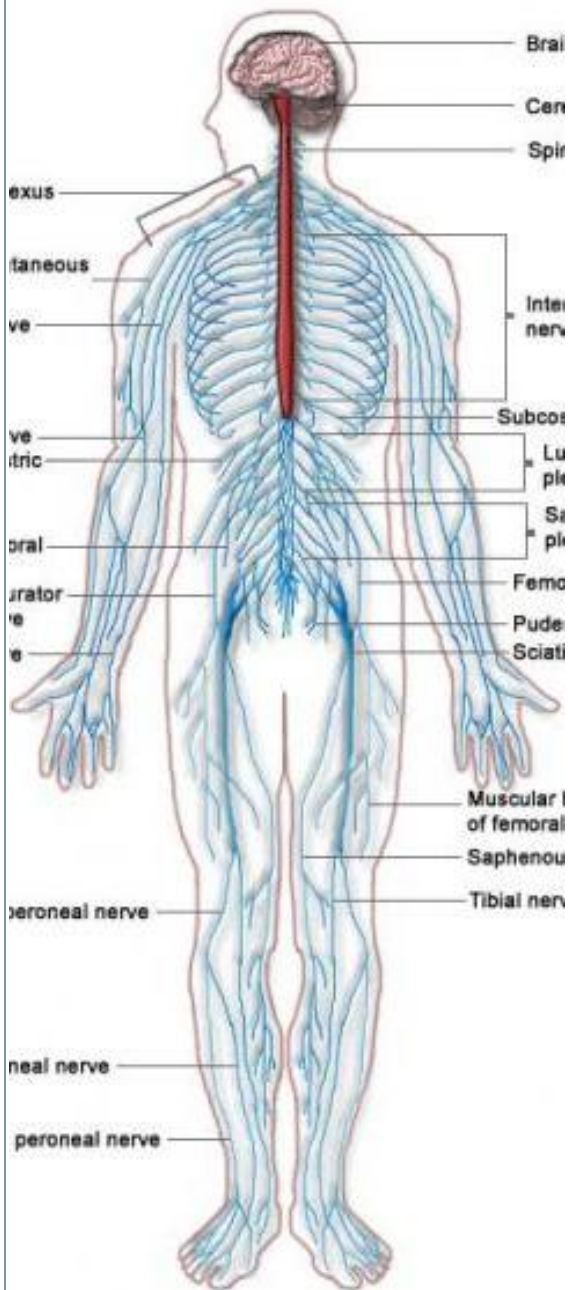
• چون اهمیت آنرا نمی دانیم •

• کدام عضو مهمتر است ؟

• دست ؟ پا ؟ گوش یا چشم ؟

• یا شبکه عصبی ؟

• این مشخص است که اگر شبکه عصبی دستور دهنده به انجام نیازهای ضروری و نهی کننده از کارهای خطرناک نباشد، همه اعضاء مختل می شوند .



اهمیت امر به معروف و نهی از منکر



احادیث فراوانی در خصوص اهمیت امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد اما همین یک حدیث برای بیان اهمیت این تکلیف الهی به تنهایی کفایت می کند .

قال امیر المومنین علی (ع) :

وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ (نهج البلاغه / حکمت ۳۷۴)

تمام کارهای خیر و حتی جهاد در راه خدا نسبت به امر بمعروف و نهی از منکر مانند رطوبت دهان است نسبت به آب اقیانوس پایان ناپذیر.



۲- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟



چون به واجب بودن امر به معروف و نهی از منکر و حرام بودن ترک این وظیفه توجه نداریم .

فروع دین ما و اهم واجبات الهی ۱۰ تاست نه ۶ تا .

۱- نماز ۲- روزه ۳- خمس ۴- زکات ۵- جهاد ۶- حج ۷- امر به معروف ۸- نهی از منکر ۹- تولی ۱۰- تبری

امر به معروف و نهی از منکر مثل نماز واجبست و ترک آن مثل ترک نماز و روزه است. انجام ندادن امر بمعروف و نهی از منکر گناه است، همانطور که تارک نماز گناهکار است، ترک کننده امر به معروف و نهی از منکر گناهکار و مستحق عذاب الهی است .

وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امام خمینی (ره): **امر بمرعوف و نهی از منکر** از والاترین و شریف ترین واجبات می باشد و به وسیله ی این ها ست که واجبات دیگر می شود و وجوب اینها از ضروریات این است و منکر آن در صورت توجه به لازمه ی انکار و ملتزم شدن به آن، از کفار می باشد.

امام خامنه ای (مدظله العالی): همه امر به معروف و نهی از منکر کنند. الان هم عرض می کنم نهی از منکر کنید این واجبات است این مسئولیت شرعی شماست امروز مسئولیت انقلابی شما هم هست .
امام خمینی (ره): چیزی که عقلاً یا شرعاً واجب است امر به آن واجب و چیزی که عقلاً قبیح یا شرعاً حرام است، نهی از آن واجب می شود و چیزی که که مندوب و مستحب باشد امرشان هم همچنین مستحب است و آنچه مکروه باشد نهی از آن چنین است، مسئله یکم اقسام امر به معروف و نهی از منکر است. (تحریر الوسيله)
اصل هشتم قانون اساسی :

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند.

«و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»

فلذا امر به معروف و نهی از منکر علاوه بر وجوب شرعی، وجوب قانونی هم دارد و عمل نکردن به آن خلاف قانون هم هست.

۳- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

چون نتایج خطرناک و ویرانگر ترک امر به معروف و نهی از منکر را نمی دانیم .

بعضی از آثار ترک امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از :

۱- آماده شدن برای جنگ با خداوند: پیامبر اکرم (ص) وقتی امت من امر به معروف و نهی از منکر را به یکدیگر بسپارند باید آماده جنگی با خداوند می باشند (وسائل ج ۱۶ ص ۱۱۸).

۲- شریک بودن در گناه گناهکاران: عذاب الهی اصحاب سبت و کسائی که نهی از منکر نمی کردند (اعراف ۱۶۳ الی ۱۶۷). حدیث/ هرکس همسایه ای دارد اهل معصیت است و او را نهی نمی کند در گناه او شریک است . (مجموعه ورام ج ۱/ص ۲).

۳- مورد لعنت خدا قرار گرفتن و دور شدن از رحمت پروردگار: بر کسائی از فرزندان یعقوب که کافر شدند از زبان داوود و عیسی بن مریم لعنت فرستاده شد، بخاطر آنکه نافرمانی می کردند و از حدود تجاوز کردند و آنها هیچگاه از کارهای منکری که انجام می شد جلوگیری نمی کردند چقدر زشت بود رفتار آنان (مائده ۷۸-۷۹).

۴- از بین رفتن برکت زندگی: پیامبر اعظم (ص) تا زمانیکه انسان امر به معروف و نهی از منکر کند و در کار نیک به یاری یکدیگر برخیزند، سلامتند و چون چنین نکنند برکات از ایشان گرفته می شود.

۵- حاکم شدن اشرار و عدم استجاب دعا: امام رضا (ع): امر به معروف و نهی از منکر کنید گرنه خدا بدان شما را بر نیکان غالب می کند و چون چنین شود هر چه نیکان دعا کنند مستجاب نخواهد شد (وسائل ج ۱۶ ص ۱۱۸)

۶- هلاکت ملت و نابودی نژاد: امام علی (ع) آنان که قبل از شما بودند بخاطر این هلاک شدند که مرتکب گناهان می شدند و علمای ربانی و دانشمندان نیکو اثر آنان را از این کارها نهی نمی کردند (وسائل ج ۱۶ ص ۱۲۰). نژاد اروپایی با رشد منفی جمعیت در حال انقراض است.

۷- مورد لعنت معصوم واقع شدن و دور شدن از شفاعت اهل بیت: می باید بزرگسالان شما به نادانان و ریاست طلبان توجه کرده و آنها را نهی از منکر کنید و گرنه لعنت من به تمام شما می رسد (کافی ج ۸ ص ۱۵۸)

۸- مرگ جامعه: امام علی(ع) «مَنْ تَرَكَ اِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْاَحْيَاءِ» کسی که انکار منکر را با قلب و دست و زبانش ترک کند مرده ای میان زندگان است. (تهذیب/ ج ۱۶ ص ۱۸۱)

۴- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

ترس

از خطر جانی می ترسیم ، از خطر مالی می ترسیم ، از خطر آبرویی می ترسیم .

آیا این ترس ها بجاست ؟ آیا امر به معروف و نهی از منکر موجب ضرر مالی و جانی می شود؟

اولاً پاسخ این سؤالها را یکجا امیر المومنین (ع) می دهند:

«وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَأَيُّقْرَبَانِ مِنْ أَجَلٍ، وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ» امر به معروف و نهی از منکر نه مرگی را نزدیک و نه روزی کسی را کاهش می دهد (نهج البلاغه / حکمت ۳۷۴)

ثانیاً ممکن است تصور کنیم بعضی افرادی که حین امر بمعروف و نهی از منکر مضروب یا شهید می شوند پس چیست؟
ثالثاً سالانه در کشور حدود بیست هزار نفر در تصادف رانندگی کشته می شوند آیا مردم از ترس مرگ از سوار شدن خودرو پرهیز می کنند؟

از هر چند میلیون امر به معروف و نهی از منکر یکی ممکن است منجر به چنین حادثه ای شود.

چه کسی می گوید که آنها اگر امر به معروف و نهی از منکر نمی کردند دچار صدمه نمی شدند.

اینما تکونوا یدر ککم الموت و لو کنتم فی بروج مشیده(نساء ۷۸)

رابعاً فریضه امر به معروف و نهی از منکر بقدری مهم است که خدا رضایت می دهد محبوب ترین بنده ه اش یعنی سیدالشهداء (ع) در راه آن به شهادت برسد و خاندان معظم اهل بیت به اسارت در آیند و هتک حرمت شود، مگر جان ما از جان آن حضرت عزیزتر و حرمت ما از خاندان آن حضرت مهمتر است؟

قال الحسین (ع): «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی ، اريد ان آمر بالمعروف و أنهی عنی المنکر»

همانا قیام من برای اصلاح امت جدم بود و هدف مهم من امر به معروف و نهی از منکر است.

۵- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟



ضعف ایمان

پیامبر اعظم (ص) فرمودند: ان الله ليُبغض المومن الضعيف
الذي لا دين له. فقيل: و من المومن الضعيف الذي لا دين له؟
قال الذي لا ينهي عن المنكر

خدا از مومن که دین ندارد نفرت دارد. گفته شد مومنی که دین
ندارد کیست؟ فرمودند: کسی که نهی از منکر نمی کند (حر
عاملی بیتا ۱۱ / ۳۹۹)

۶- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

یأس و نومیدی

امید به اصلاح وضعیت نداریم، کثرت وجود بعضی منکرات این تصور را پیش می آورد که هیچ امیدی به اصلاح نیست و تذکر و امر به معروف و نهی از منکر بی فایده است و اثری ندارد.

آیا نومیدی حجتی برای ترک این وظایف الهی است؟

اولاً: کثرت بدی و بدان دلیلی بر غلبه آنان نیست. خدای متعال می فرماید: کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره بإذن الله والله مع الصابرين.

ثانیاً: کمی عدد و غربت حقیقت دلیلی بر عدم موفقیت نیست «ان تنصرالله ینصرکم و یثبت اقدامکم» (بقره ۲۴۹)

ثالثاً: اگر چنین تصویری حجت بود اغلب انبیاء باید دست از تبلیغ و امر به معروف و نهی از منکر می کشیدند.

برابر اعلام قرآن کریم تبلیغ حضرت نوح (ع) ۹۵۰ سال طول کشیده ولی در نهایت می فرماید: «و ما أمن معه الا قلیل» با وجود این تبلیغ طولانی عده قلیلی به او ایمان آوردند (عنکبوت ۱۴) ولی او دست از تبلیغ برنداشت.

رابعاً: قرآن می فرماید «حتی اذ استیأس الرسل و ظنوا انهم قد کذبوا جائهم نصرنا»

آنگاه که انبیاء از ایمان آوردن مردم به مرز نومیدی رسیدند و مردم گمان کردند که آنها دروغگو هستند، یاری ما (خدا) آنان را دریافت. (یوسف ۱۱۰)

بنابراین کثرت منکرات و عادی شدن ترک معروفات دلیلی بر مأیوس شدن و حجتی برای ترک امر و نهی نیست.

۷- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

نداشتن صبر و حوصله

اغلب ما صبر نداریم، حوصله نداریم در پاسخ کسی که توصیه به امر به معروف و نهی از منکر می کند؛ می گوییم: حوصله داری؟! ولش کن!

عدم تخصیص وقت به یک واجب بدون حجت شرعی مستوجب مجازات الهی است اگر در آن وقت مشغول واجب مهمتری هستیم، نزد خدا حجتی داریم. اما اگر برای کارهای غیر واجب یا کمتر ضروری به بهانه حوصله نداشتن و وقت نداشتن این فرائض را ترک کنیم مثل آن است که به خاطر کم حوصلگی نماز را ترک کنیم.

قال علی بن الحسین(ع): الصبر من الايمان بمنزله الرأس من الجسد. فإذا اقطع الرأس باء الجسد

امام زین العابدین (ع): نسبت پایداری با ایمان مثل سر است نسبت به بدن وقتی سر قطع شود جسد از بین می رود. (اصول کافی جلد ۲ ص ۸۹)

۱- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

خجالت

خجالت از خود کم بینی، احساس حقارت و عدم اعتماد به نفس سرچشمه می گیرد.

مؤمن آن کسی است که خدای تبارک توصیف می فرماید: «ولا تهنوا و لاتحزنوا و انتم الاعلون ان کنتم مؤمنین» «ولایخافون فی الله لومه لائم» در راه خدا از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند.

قال رسول الله: «الحیاءُ حیاءُ آن حیاء عقل و حیاء حُمو، فحیاء العقل هو العلم و حیاء الحمق هو الجهل» حیاء دوگونه است حیاء عقل و حیاء حماقت؛ حیاء عقل علم است و حیاء حماقت جهالت است (اصول کافی ج ۲ ص ۱۰۶). با تلقین، اعتماد به نفس، تمرین در اظهار نظر و غلبه بر ترس از ریختن آبرو و نترسیدن از عیب جویی دیگران باید بر خجالت غلبه کرد.

قال رسول الله: «لا تعمل شیئاً من الخیر ریاءً و لا تدعه حیاءً» هیچ کار درستی را برای خودنمایی انجام نده و از سر خجالت آنرا رها نکن (تحف العقول، ص ۴۷).

با تکرار آیه مبارکه «رب اشرح لی صدری و یسرلی امری واحلل عقده من لسانی یفقهوا قولی» (طه ۲۵-۲۸) باید بر خجالت غلبه کرد و تکلیف شرعی را به انجام رسانید.

گاهی ممکن است بلند مرتبگی با خصوصیت ویژه شخصی که باید امر و نهی شود ما را تحت تأثیر قرار دهد در اینجا ممکن است با طرز دیگری مثل دادن یادداشت بدون مواجهه حضوری امر یا نهی را انجام دهیم.

خجالت و شرم حجتی برای عدم اجرای فرمان خداوند نیست.

۹- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟



افراط در مهربانی

افراط در هر امری مذموم است، از جمله افراط در مهربانی. گاهی در مقابل خطا کار به خاطر انجام محبتی که به او داریم، سکوت می کنیم. این دوستی نیست دشمنی است. امام رضا(ع) می فرمایند: «احب اخوانی الی من اهدنی الی عیوبی» دوست داشتنی ترین برادران نزد من کسی است که عیب مرا به من هدیه کند.

قرآن صریحاً رأفت و رحمت را در اجرای حدود الهی را نهی کرده است: «الزانیه و الزانی فاجلدوا کل واحدٍ منهما مائة جلده و لا تأخذکم بهما رأفه فی دین الله»

زن و مرد زناکار را هر کدام یکصد ضربه شلاق بزنید و مهربانی در دین خدا شما را از اجرای حد روی آنان باز ندارد.

۱۰ - چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

چون با بهانه و عذر آوردن وجدان خود را آسوده می کنیم .

بهانه جویی های رایج برای طفره رفتن از انجام وظیفه و واجب امر به معروف و نهی از منکر:

- باید از بالا اصلاح شود .
- صدا و سیما خودش منشاء مفسد است باید اصلاح شود .
- دولت باید از خودش شروع کند.
- آموزش و پرورش باید از مدارس شروع کند.
- چرا وزارت بازرگانی جلوی لباسهای مفسده انگیز را نمی گیرد؟
- و ...

آیا این بهانه ها درست است ؟

اولاً امر به معروف و نهی از منکر در شرایط حاکمیت طاغوت هم واجب است چه رسد به زمانی که بعضی دستگاهها نارسانی داشته باشند

ثانیاً دستگاههای فرهنگی هر قدر کار کنند باز هم جا دارد که انتقاد کنیم کارهای خیلی بیشتری را از آنها طلب کنیم با این حساب هیچوقت نوبت انجام وظیفه نمی رسد .

ثالثاً امام خمینی (ره) می فرمایند اگر می خواهید کارها اصلاح شود هر کس هر جا هست کار خودش را خوب انجام دهد. رابعاً آیا واقعاً این دستگاه ها را که به نظر ما کوتاهی می کنند امر و نهی کرده ایم؟ یا فقط دنبال بهانه ایم. چند نفر از ما تلفن های صدا و سیما و آموزش و پرورش و سایر وزارتخانه ها را در حافظه تلفنی خودمان داریم و کوتاهی آنها را نهی از منکر و امر به معروف می کنیم؟ اگر مشکل وجود منکرات را در کوتاهی این دستگاه ها می بینیم باید مطالباتمان را از دستگاه ها و امر و نهی آنها مستمر و مصرانه باشد، از نمایندگان در مجلس را بخواهیم قوانین الزام آور برای این نهادها بنویسند و از مجریان هم هر روز بخواهیم اصلاح کنند. بنابراین با این بهانه ها نمی توان این واجب الهی را تعطیل کرد.

امام باقر (ع): یكون في آخر الزمان قوم لا يوجبون امراً بالمعروف و لا نهياً الا آمنوا الضرر يطلبون لانفسهم الحرص و المعاذير (کلینی بی تا ۵/۵۵)

در آخر الزمان گروهی از مردم هستند که امر بمعروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند مگر آنکه خودی به آنها نرسد.

۱۱- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟



محدود دانستن حوزه امر به معروف و نهی از منکر

بعضی از ما فکر می کنیم که امر به معروف و نهی از منکر فقط مختص موضوع حجاب است حال آنکه امر به معروف و نهی از منکر در تمام جنبه های زندگانی اعم از سیاسی، اعتقادی، اقتصادی، اداری و ... از جمله مسائل اخلاقی باید جاری و ساری باشد.

اتفاقاً امر به معروف و نهی از منکر در عرصه های سیاسی بسیار مهم تر مسائل اجتماعی است. مخالف نظام جمهوری اسلامی آلوده به منکری است به مراتب خطرناک تر از بی حجابی است.

امر و نهی در حوزه اعتقادی در مقابله با اعتقادات غلط مانند وهابیت، بهائیت، عرفان های کاذب و ... از مسائل اخلاقی خیلی مهمتر است

«ان الله لا یغفر من یشرک و ینغفر ما دون ذالک لمن یشاء»

در بسیاری از موارد ریشه مفسد اخلاقی، مفسد اقتصادی است و مال حرام است، که افراد را به طرف فساد می کشاند. بنا براین امر به معروف و نهی از منکر را در هیچ عرصه ای نمی شود تعطیل گذاشت و در همه عرصه های سیاسی، اقتصادی، اداری، اخلاقی و ... باید از منکرات آن حوزه نهی کنیم و به معروفات آن امر نماییم.

۱۱- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟



محدود دانستن حوزه امر به معروف و نهی از منکر

امام خمینی(ره): ما امر به معروف و نهی از منکر را در دایره کوچکی قرار داده، و به مواردی که ضررش برای خود افرادی است که مرتکب می شوند، یا ترک می کنند، محصور ساخته ایم. در اذهان ما فرو رفته که «منکرات» فقط همین هایی است که هر روز می بینیم یا می شنویم. مثلاً اگر در اتوبوس نشسته ایم، موسیقی گرفتند، یا فلان قهوه خانه کار خلافی را مرتکب شد، یا در وسط بازار کسی روزه خورد، منکرات می باشند، و باید از آن نهی کرد. ولی به آن منکرات بزرگ توجهی نداریم. آن مردمی را که دارند حیثیت اسلام را می برند، حقوق ضعفا را پایمال می کنند و ... باید نهی از منکر کرد. اگر اعتراض دسته جمعی به ظلمه که خلافی را مرتکب می شوند، یا جنایتی می کنند، بشود اگر چند هزار تلگراف از همه بلاد اسلامی به آنها بشود که این کار خلاف را انجام ندهید، یقیناً دست برمی دارند. وقتی که برخلاف حیثیت اسلام و مصالح مردم کاری انجام دادند، نطقی ایراد کردند، اگر از سراسر کشور، از تمام قرا و قصبات، از آنان استنکار شود، زود عقب نشینی می کنند. (مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۷، ص ۲۸۱).

امام خامنه ای: اگر ما امر به معروف را در یک دایره محدود، آن هم به وسیله افراد معلومی، زندانی کنیم، دشمن هم در تبلیغات خودش بنا می کند به سمپاشی کردن، که در ایران بناست از این به بعد، نسبت به زن های بد حجاب، اینطور عمل شود. این واجب به این عظمت را، که قوام همه چیز به آن است، بیاورند در دایره محدود، در دایره خیابان های تهران؛ آن هم نسبت به چند نفر زنی که وضع حجابشان مثلاً درست نیست. این است معنای امر به معروف؟! این است معنای حضور نیروهای مؤمن در صحنه های گوناگون جامعه؟! قضیه بالاتر از این حرف هاست. (بیانات در دیدار جمعی از روحانیون، ۷/۵/۷۱)

شهید مطهری: و چون فکر امر به معروف و نهی از منکر در میان مردم محدود شده و مردم از جنبه امر به معروف و نهی از منکر توجهی به اصلاحات امور زندگی اجتماعی خود ندارند، نتیجه این شده که اگر احیاناً شهرداری مثلاً یک قدم اصلاحی در مورد ارزاق و خواربار بخواهد بردارد و یا یک قدم در مورد نظافت شهر بخواهد بردارد، بخواهند جلوی گرانفروشی را بگیرند و یا اینکه بخواهند مقررات خوبی برای عبور و مرور اتومبیل ها معین کنند، مردم احساس نمی کنند که پای ک امر مذهبی در میان است. زیرا حس نمی کنند که این هم از جنبه دینی یک وظیفه است؛ و حال آنکه به قول صاحب جواهر: به هر وسیله و هر طریق هست باید کاری کرد که معروف تقویت و منکر ریشه کن شود. علت اینکه مردم فعلاً در این کارها کوتاهی می کنند، این است که این امور را از دایره معروف و منکر خارج کرده اند. (مجموعه آثار استاد مطهری، ج ۲۰، ص ۱۹۸)

۱۲- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

شکسته نفسی

ما خودمان گنهکاریم؛ ما را چه کار که به دیگران امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

از نظر تکلیف شرعی امر به معروف و نهی از منکر بر هر فردی واجب است و از کسی که خودش هم عامل به معروف و پرهیز کننده از منکر نیست، این تکلیف ساقط نمی شود.

امام خمینی(ره): شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر:

امر و نهی کننده شرط نیست عادل باشد و یا به آنچه امر می کند خود عمل کند و آنچه را نهی می نماید، ترک کند و اگر خودش تارک واجب باشد، بر او واجب است که با اجتماع شرایط (دیگری را) به همان واجب امر نماید، کما اینکه واجب است به آن عمل نماید. (تحریر الوسیله، مسئله ۲۰).

البته کسی که خود مرتکب منکر یا تارک معروف است اگر جلوی چشم کسی این کارها را انجام دهد ممکن است امر و نهی اش بی تأثیر باشد و از این لحاظ بر او واجب نباشد چرا که تأثیری ندارد. ولی اگر اینطور نباشد قطعاً باید به واجب خود عمل کند و حق ندارد امر و نهی را به بهانه اینکه خودش گنهکار است ترک کند. بنا براین هرچند بهتر آن است امر به معروف و ناهی از منکر عامل باشد اما گنهکار بودن فرد او را از عمل به این تکلیف الهی آزاد نمی کند.

۱۳- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

وسواس و شائبه ریا

یکی از وسوسه های شیطان برای ممانعت از افعال خیر مؤمنان ایجاد شائبه ریا است.

آیا می توان امر به معروف و نهی از منکر را به بهانه خطر ریا ترک کرد؟

پاسخ این سؤال را در توضیح المسائل امام خمینی (ره) می توان یافت. مسئله ۲۷۹۰:

در امر به معروف و نهی از منکر قصد قربت معتبر نیست بلکه مقصود اقامه واجب و جلوگیری از حرام است.

در امر نهی کردن قصد قربت و اخلاص معتبر نیست بلکه اینها دو واجب توصلی می باشند برای ریشه کن کردن فساد و بر پا داشتن واجبات البته اگر قصد قربت داشته باشد در مقابل امر به معروف و نهی از منکر مأجور می باشد (تحریر الوسيله، مسأله ۱۳)

حتی در واجباتی مثل نماز و روزه ماه مبارک رمضان که باید قربه الی الله باشد نمی توانیم واجب الهی را به بهانه اینکه ممکن است ریا شود ترک کنیم. چه رسد به امر به معروف و نهی از منکر که شرعاً نیت ندارد.

۱۴- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

به گردن دیگران می اندازیم

امر به معروف و نهی از منکر شرعاً واجب کفایی است یعنی اگر کسی نسبت به آن قیام کند، از گردن دیگران ساقط است اما در اینجا نکاتی هست:

۱- وقتی گفته شده واجب کفایی است پس اولین مکلفی که با آن مواجه می شود باید اقدام کند نمی تواند به عهده دیگری بگذارد، اگر کسی که اولین نفر است انجام نداد، دیگری که مواجه می شود باید جبران کند.

۲- در جاهایی که فرد اولی امر یا نهی کرده است ولی تأثیری نگذاشته، بر دیگری که مواجه می شود هم در صورت وجود شرایط واجب است امر و نهی نماید و اگر جمع شدن عده ای هم لازم باشد، که دسته جمعی امر و نهی کنند تا اثر کند، این اجتماع هم واجب است.

۱۵- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

بهبانهای شرعی می آوریم

از شرایط امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر است؛ بعضی از ما به دلیل آنکه امر یا نهی تأثیر ندارد این وظیفه را ترک می کنیم.

حال آنکه شرط تأثیر لازم نیست قطعی و صد در صدی هم باشد. بلکه صرفاً اگر احتمال تأثیر ولو احتمال ضعیف داده شود باید امر و نهی انجام شود.

امام خمینی(ره): با گمان به عدم تأثیر ولو اینکه ظن قوی باشد وجوب (امر و نهی) ساقط نمی شود. (تحریر الوسيله)

اگر بداند یا احتمال بدهد که امر و نهی او در صورت تکرار شدن تأثیر میگذارد، تکرار کردن آن واجب است. (تحریر الوسيله)

اگر شخصی مرتکب دو حرام شود یا دو واجب را ترک کند و بداند که امر کردن نسبت به هر دو با هم مؤثر نیست ولی نسبت به یکی از آنها عیناً احتمال تأثیر را می دهد، نسبت به همان واجب است. (تحریر الوسيله)

اگر بداند که انکارش نسبت به مطلبی در حال حاضر بی تأثیر است و لکن می داند یا احتمال می دهد که (همین) امر فعلی نسبت به آینده اثر دارد (امر کردن) واجب است. (تحریر الوسيله)

اگر بداند یا احتمال دهد که نهی کردن در کم کردن معصیت مؤثر است نه در ریشه کن کردن آن، واجب است. (تحریر الوسيله)

در بعضی موارد اساساً احتمال تأثیر نافذ نیست و حتی اگر احتمال تأثیر داده نشود امر و نهی واجب نیست. مثل آنکه بدعتی در اسلام واقع شود یا سکوت مسلمانان موجب جری شدن ستمکاران در بقیه محرمات و بدعت های جدید شود یا در جایکه سکوت علمای دین باعث سوء ظن به ایشان شود؛ بر آنان واجب است نهی از منکر ولو اینکه در رفع ظلم اثر نکند (تحریر الوسيله)

۱۶- چرا امر به معروف و نهی از منکر نمی کنیم؟

بلد نبودن شیوه ها

بسیاری از ما منکر را می شناسیم، خجالتی، کم صبر و بی ایمان هم نیستیم اما بلد نیستیم چگونه باید امر و نهی کرد. تصور ما این است که امر به معروف و نهی از منکر یک اقدام سلبی و متضمن یک برخورد شدید و رویارویی است؛ حال آنکه امر به معروف و نهی از منکر در بیش از ۹۵ درصد موارد با زبان نرم و ملاطفت است و ظرافت های خاص خود را دارد. امام صادق (ع) می فرماید:

«وَصَاحِبُ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ يَحْتَاجُ إِلَى أَنْ يَكُونَ عَالِمًا بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ فَارْغًا مِنْ خَاصَّةِ نَفْسِهِ عَمَّا يَأْمُرُهُمْ بِهِ وَيَنْهَاهُمْ عَنْهُ نَاصِحًا لِلخَلْقِ رَحِيمًا رَفِيقًا بِهِمْ دَاعِيًا لَهُمْ بِاللُّطْفِ وَحَسَنَ الْبَيَانِ عَارِفًا بِتَفَاوُتِ أَخْلَاقِهِمْ لِيُنْزِلَ كُلًّا مَنَزَلَتَهُ بِصِيرًا بِمَكْرِ النَّفْسِ وَمَكَائِدِ الشَّيْطَانِ صَابِرًا عَلَى مَا يَلْحَقُهُ لَا يُكَافِيهِمْ بِهَا وَلَا يَشْكُو مِنْهُمْ وَلَا يَسْتَعْمِلُ الْحَمِيَّةَ وَلَا يَغْتَاطُ لِنَفْسِهِ مُجْرَدًا نِيَّتَهُ لِلَّهِ مُسْتَعِينًا بِهِ وَمُبْتَغِيًا لَوَجْهِهِ فَإِنْ خَالَفُوهُ وَجَفَوْهُ صَبَرَ وَإِنْ وَافَقُوهُ وَقَبِلُوا مِنْهُ شُكْرًا مُفَوِّضًا أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ نَاطِرًا إِلَى عَيْبِهِ» (مصباح الشريعة، ص ۱۸)

همانطور که در سایر واجبات بلد نبودن توجیهی برای ترک واجب محسوب نمی شود و شرعاً واجب است که انسان مسائلی را که به آنها نیاز دارد یاد بگیرد، در مورد امر به معروف و نهی از منکر هم یادگیری شیوه ها، مقدمه واجب است. مثل وضو برای نماز؛ شرعاً باید شیوه های امر و نهی را آموخت و بکار بست.

امام خمینی (ره): یاد گرفتن شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد واجب بودن یا واجب نبودن آن و موارد جواز یا عدم آن، واجب است تا در امر و نهی به منکر نیفتد. (تحریر الوسيله)

مسأله ۸: یاد گرفتن شرایط امر به معروف و نهی از منکر و موارد واجب بودن و واجب نبودن آن و موارد جواز و عدم آن واجبست تا در امر و نهی به منکر نیفتد.

تحریر الوسیله ج ۲ ص ۲۹۳

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



عَالِمًا بِالْحَلَالِ وَالْحَرَامِ
به حلال و حرام آگاه باشد.

کسی که می خواهد امر و نهی کند باید مطمئن باشد آنچه از آن نهی می کند حرام یا مکروه است و آنچه بدان امر می کند واجب است یا مستحب.
آنچه نظر و سلیقه شخصی ماست شامل امر به معروف و نهی از منکر نمی شود؛ بلکه امر به معروف و نهی از منکر مربوط به چیزهایی است که خدای متعال آنها را معروف یا منکر قرار داده است.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



فَارْغًا مِنْ خَاصَّةِ نَفْسِهِ عَمَّا يَأْمُرُهُمْ بِهِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنْهُ

نسبت به خودش از چیزهایی که به آن امر و نهی می کند فارغ باشد (یعنی خود اهل عمل باشد).

هرچند واجب نیست امر و نهی کننده خودش بری از گناه باشد ولی بهتر است اینگونه باشد، چرا که هم به لحاظ تکوینی و هم به لحاظ روانی تأثیر آن بر مخاطب به مراتب بیشتر است.

امام صادق (ع): کونوا دعاه الناس بغير السنتکم (اصول کافی، ج ۲، ص ۷۸)

بهترین راه هدایت مردم و امر به معروف و نهی از منکر پایبندی جدی امر و نهی کننده به وظیفه است.

از ابن عباس نقل شده است که فرمود: وقتی می خواهی امر به معروف و نهی از منکر کنی مراقب باش از سه موضع قرآن رسوا نشوی:

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ (بقره ۴۴) آیا مردم را به نیکی امر می کنید و خود را فراموش می کنید.

یا ایها الذین آمنوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف ۲) ای کسانی که ایمان آورده اید چرا چیزی را که می گوئید عمل نمی کنید.

وما ارید ان یردکم الی ما انهیکم عنه (هود ۸۸) (حضرت لوط خطاب به قوم خود): قصد من این نیست که چیزی را بگویم و خود خلاف آن را انجام دهم.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



نَاصِحًا لِلْخَلْقِ، رَحِيمًا رَفِيقًا بِهِمْ

دلسوز مردم باشد و با آنان مهربان و رفیق باشد.

به طور طبیعی هر انسانی به حرف دشمن خودش گوش نمی کند و از دشمن خودش فرمان نمی برد. بنابراین برای مؤثر واقع شدن امر و نهی باید اینگونه عمل کنیم که مخاطب تصور نکند دشمن او هستیم بلکه احساس کند که طرفدار و دوست او هستیم؛ امر به معروف و نهی از منکر زمانی مؤثر خواهد بود، که از موضع دلسوزی و از سر محبت و برای تعالی طرف مقابل باشد؛ نه از سر لجبازی، تکبر، خود خواهی، غرور، دشمنی و

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



دَاعِيًا لَهُمْ بِاللُّطْفِ وَ حُسْنِ الْبَيَانِ
با لطف و بیان خوش و خوب آنها را دعوت کند.

برخی تصور می کنند چون در موضع امر و نهی هستند باید با تند خویی سخن بگویند، حال آنکه امر یا ناهی ضمن قاطعیت و امر و نهی باید تا جای ممکن با زبان نرم صحبت کنند.

بدترین منکراتی تاریخ بشر فرعون است، که ادعای خدایی می کرد. یعنی آلوده به بالاترین مرتبه منکر یعنی شرک بود؛ ولی وقتی خداوند پیامبران خود را به سوی او می فرستد، به آنها دستور می دهد با زبان نرم با او سخن بگویند. فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا، لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى (طه-۴۴)

ای موسی و هارون به سوی فرعون بروید با او با زبان نرم و ملایم سخن بگویید شاید پذیرد و خداترس شود. اگر با مرتکب بدترین منکرات تاریخ با زبان نرم باید سخن گفت آیا با مرتکبان منکرات کوچکتری که ما با آنها مواجه هستیم چگونه باید رفتار کرد؟

بعضی از ما به بهانه اینکه در امر به معروف و نهی از منکر بیان مسئله کافی نیست و باید امر به معروف و نهی از منکر انجام بگیرد، زبان تند و برخورد خشن و از موضع قدرت را شیوه خود می دانیم در حالی که

بفرما، بنشین و بتمرگ

هر سه فعل امر هستند اما این کجا و آن کجا!

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



عَارِفًا بِتَفَاوُتِ أَخْلَاقِهِمْ لِيُنْزَلَ كُلًّا مَنَزَلَتَهُ

با اخلاق متفاوت آنها آگاه باشد تا اینکه با هر کدام از آنان طبق شأن و شخصیت خودشان رفتار کنند.

موفقیت در امر به معروف و نهی از منکر بلکه در هر کار تربیتی و اصلاحی مستلزم مخاطب شناسی است. بهترین مؤید این ضرورت آیه قرآنی است که می فرماید:

«و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لِيُبَيِّنَ لَهُمْ» (ابراهیم ۴).

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر به زبان قوم خودش تا آنان را روشن کند.

سخن گفتن به یک عامی کم سواد با ادبیات استاد دانشگاه و سخن گفتن با استاد با ادبیات عوام کم اطلاع نه تنها نتیجه مثبتی ندارد غالباً نتایج معکوس می دهد.

در شیوه امر به معروف و نهی از منکر می باید سن و سال، میزان تحصیلات، قومیت و آداب و رسوم، شغل و پیشه، جنسیت و ... را در نظر گرفته و با هر کس متناسب با شرایط خودش عمل کرد و شأن و شخصیت افراد را در انتخاب شیوه امر به معروف و نهی از منکر باید تأثیر داد.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



بَصِيرًا بِمَكْرِ النَّفْسِ

نسبت به مکر و حيله نفس و کيدهای شیطان بینا باشد.

شناخت و بینش صحیح نسبت به حيله های نفسانی در امر به معروف و نهی از منکر از دو جهت مهم است. یکی اینکه انسان فریب نفس را نخورد و امر به معروف و نهی از منکر را برای دستیابی به مطامع شیطانی و وساوس نفسانی نکند.

و دوم اینکه راه های طفره رفتن مخاطب از ترتیب اثر دادن به امر و نهی را بشناسد و با روانشناختی صحیح روش خود را به گونه ای مؤثر انتخاب کند.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



صَابِرًا عَلَىٰ مَا يَلْحَقُهُ

به آنچه به او می رسد (در راه امر به معروف و نهی از منکر) با صبر و حوصله باشد.

از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر این است که مفسده ای در امر و نهی نباشد.

امام خمینی (ره): اگر بداند یا گمان کند که انکار او موجب ضرر جانی یا آبرویی یا مالی که مورد توجه است بر او یا یکی از مربوطین او مانند خویشان، یاران یا همراهانش می شود واجب نیست و از او ساقط می شود.

هرچند رعایت این شرایط همچنین بهره گیری از قول لاین احتمال ضرر را به حداقل می رساند، اما از آنجا که حکم عدم ضرر به امر و ناهی کلی نیست بلکه نسبی است، یعنی میزان ضرر باید با اهمیت معروف یا منکری که موضوعیت یافته است سنجید. مثلاً در موارد خیلی مهم مثلاً حفظ جان گروه های از مسلمانان یا حفظ نوامیس مسلمانان یا جلوگیری از محو شدن بعضی شعائر، اگر امر و نهی نیازمند بذل جان یا حتی جان ها باشد، بذل جان واجب است. (تحریر الوسيله) همانگونه که سید الشهداء (ع) و یارانش در این راه جان خود را تقدیم فرمودند.

بنابراین امر و نهی کننده در این عرصه خواه و ناخواه با چالش های جدی مواجه است و امر به معروف و نهی از منکر بدون تبعاتی برای عامل آن نیست و امر و نهی کننده معمولاً نمی تواند کاملاً از ضرر مصون باشد و باید بر آنچه اجرای این حکم الهی برایش پیش می آید صبر کند. تحمل سختی های آن را داشته باشد.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



وَلَا يَشْكُو مِنْهُمْ

و با رفتارش آنها را از خود نراند و از آنها شکایت نداشته باشد.

پرهیز از گله گذاری و شکایت، تأثیر سازنده ای روی امر و نهی شونده می گذارد و او را هرچه بیشتر متقاعد می کند که امر و نهی کننده او هدف شخصی نیست و نیت ناصحیح نداشته و به قصد اصلاح او را امر و نهی کرده است. این عبارت را می توان پرهیز از غرغر کردن تلقی کرد. غرغر و شکایت شخصیت مخاطب را زیر سؤال می برد و او را به واکنش های غیر منطقی در مقابل امر به معروف و نهی از منکر سوق می دهد.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



وَلَا يَسْتَعْمِلُ الْحَمِيَّةَ

تعصب به خرج ندهد

بجز انسان های بسیار با تقوا و قوی الایمان که از امر به معروف و نهی از منکر شدن خوشحال می شوند و بیان عیوبشان توسط دیگران را هدیه ای دوستانه تلقی می کنند. اغلب انسان ها از اینکه مورد انتقاد واقع شوند ناراحت می شوند و این ناراحتی به قدر کافی آنها را به موضع گیری در مقابل امر و نهی کننده وامیدارد. چه بسا افرادی که مورد امر و نهی قرار می گیرند و فی المجلس در مقابل پذیرش آن مقاومت می نمایند، اما آن را در دل می پذیرند و کار خود را اصلاح می کنند همین افراد در مقابل تعصب نا به جا و اصرار افراطی امر و نهی کننده ممکن است به لجبازی بیافتند. البته میزان اصرار و تأکید از سوی امر و نهی کننده بستگی به اهمیت معروف و منکر مورد نظر و اثرات تأکید بر عمل یا ترک آن دارد لکن همیشه باید مراقب باشیم در معروفات و منکرات فردی و کم اهمیت تر هستند. با تعصب زیادی طرف مقابل را به موضع انفعال و لجبازی و مخالفت با حق نکشائیم.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های آمر به معروف و ناهی از منکر



وَلَا يَغْتَاطُ لِنَفْسِهِ به خاطر خودش خشمگین نشود

حلم و بردباری برنده ترین و نافذترین خصوصیتی است که می تواند حقانیت آمر به معروف و ناهی از منکر را برای مخاطب ملموس کند. امر و نهی کننده ممکن است در ازای مطالبه اطاعت از پروردگار از سوی مخاطب یا دوستان او مورد توهین و درشتی واقع شود. فروخوردن خشم و خونسردی در این موارد بیش از هر چیز می تواند در متقاعد شدن مخاطب به نیت خیر امر و ناهی از منکر تأثیر داشته باشد و حجت را بر مخاطب تمام می کند. اگر امر به معروف و نهی از منکر کننده با عکس العمل های طرف مقابل نسبت به خود خشمگین شود و فضا به سوی دشمنی کشیده شود. به احتمال بسیار قوی تأثیر امر و نهی از بین خواهد رفت، برای ترتیب اثر ندادن به امر و نهی حجتی به طرف مقابل داده می شود، در حالی که با پرهیز از خشم حتی در مقابل توهین مخاطب را در مقابل عظمت خود به کرنش وا می دارد.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



مَجْرَدًا نِيَّتُهُ لِلَّهِ مُسْتَعِينًا بِهِ وَ مُبْتَغِيًا لِرِجَاهِهِ

نیتش فقط برای خدا باشد و از او کمک بگیرد و در جستجوی راه او باشد.

رسول الله (ص) فرمودند: من امر بالمعروف و نهی عن المنکر فهو خلیفه الله فی الأرض و خلیفه رسوله (مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۷۹) هر کس امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا بر زمین و جانشین رسول خداست. این جایگاه بالا برای امر به معروف و ناهی از منکر هم انگیزه بخش است و هم انسان را به فکر و امیدارد. حال که می خواهد چنین کاری را انجام دهد نیت خودش را هم خالص کند تا به برترین جایگاه کرامت و انسانیت دست یابد.

در امر به معروف و نهی از منکر نیت شرط نیست و امر و نهی بدون قصد قربت واجب است. اما قطعاً چنانچه در اجرای این فرمان الهی امر به معروف و ناهی از منکر نیت خود را برای خدا خالص کند، از جهات مختلف فضیلت دارد، چه از جهت اجر و ثوابی که برای اجرا کننده هست و چه از جهت تأثیر بر مخاطب که قطعاً آثار اقدام از سر اخلاص با اثر اقدام بدون آن قابل قیاس نیست، «سخن که از دل برآید لاجرم بر دل نشیند». و هم از جهت جلب یاری پروردگار بدون شک نیت خالص اثر تعیین کننده ای به یاری خدا و توفیق در امر و نهی خواهد گذاشت که فرمود: «الذین جاهدوا فینا لنهدين سبیلنا» بنا براین چه شایسته است که انسان در آوردگاه مهمی چون امر به معروف و نهی از منکر نیتش را برای خدا خالص کند و از او یاری جوید تا مشمول عنایت حضرت حق شود، که هر که او را یاری کند، یاری اش خواهد کرد و کسی را که او یاری کند پیروز است.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های آمر به معروف و ناهی از منکر



فَإِنْ خَالَفُوهُ وَ جَفَوَهُ صَبْرًا

اگر با وی مخالفت کردند و یا ظلم نمودند تحمل کند.

امام علی (ع): لا یعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان (نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۵۳) پیروزی انسان صبر کننده از دست نمی رود حتی اگر زمان تحقق آن طولانی شود.

صب و پایداری در مقابل مخالفت ها همیشه قرین پیروزی است نمونه برجسته آن پیروزی بزرگ پیامبر اسلام است. که سنگ باران ها، خاکستر و زباله بر سر ریختن ها، تهمت های سنگین مانند جادوگر دروغگو و ...، توهین های سنگین مانند ابتر، دیوانه و ... آن حضرت را از راه بازداشت و نهایتاً به مقصود رسید؛ و هر چند این پیروزی طول کشید. نمونه برجسته دیگر امام خمینی (ره) که به امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد و او را ارتجاع سیاه، آخوند هندی و ... خطاب کردند. امام (ره) متوقف نشد و جفاهایی که در حق او کردند از زندان، تبعید و اخراج، او را از مسیر بازداشت. آمر به معروف و ناهی از منکر باید از این الگوها درس بگیرد و در مقابل مخالفت ها و جفاها صبر پیشه کند. این صبر د و معنا دارد، یکی اینکه خود از مسیر مستقیم دست نکشد و به راه حق استوار بماند و دوم اینکه از امر و نهی خسته نشود و تکلیف را استمرار بخشد.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



وَ إِنْ وَافَقُوهُ وَ قَبَلُوا مِنْهُ شَكَرَ
و اگر با او موافقت کردند و از او پذیرفتند شکر گذار باشد.

برای امر به معروف و ناهی از منکری که با موافقت مخاطب مواجه می شود، لااقل سه شکر لازم است:
اول شکر پروردگار عالم که توفیق داد این واجب الهی را اقامه کند.
دو اینکه در عمل و کلام او تأثیر گذاشت و آن را نافذ کرد.
و سوم تشکر از مخاطبی که حق را پذیرفت و انگیزه تشویق او به عمل خیر؛ و این بسیار مهم است که با کلام شکر آمیز، مخاطب پذیرنده حق را تشویق کنیم و در مقابل او تواضع کنیم تا قدر این سلامت نفس خود را بداند و در ایمان راسخ تر شود.

شرح حدیث امام صادق (علیه السلام) در مورد ویژگی های امر به معروف و ناهی از منکر



مُفَوِّضاً أَمْرَهُ إِلَى اللَّهِ نَاطِرًا إِلَى عَيْبِهِ

کارش را به خدا واگذار کند و عیب و خطای خود را مد نظر داشته باشد.

آسیب بزرگ موفقیت در کار خیر غرور است؛ امر به معروف و نهی از منکر چه به نتیجه برسد و چه نرسد یک عمل خیر است. چه بسا به واسطه عمل به آن و چه به جهت موضوع آمرانه ای که در آن هست عامل آن را در معرض غرور قرار می دهد و این تصور را که او منزّه است و گرفتار خطا نیست در او تقویت می کند. جا دارد که امر و ناهی پس از امر و نهی در کار خود نظر کنند، خودشان را به خدا بسپارند و از او بخواهند که آنها را از خطا و لغزش مصون نگه دارد و برای آنکه خصلت عیب جویی از دیگران در آنها رشد نکند و امر به معروف و نهی از منکر مدخلی برای رشد خصوصیت عیب جویی در وجود آنها نشود خوب است پس از امر و نهی به معایب خود هم مروری کند و با امر و نهی به نفس خود در رفع معایب خود بکوشند.

حدیثی که در تبیین چارچوب های امر به معروف و نهی از منکر صحیح بیان شد مجموعه ای از واجبات و مستحبات این فریضه الهی را در خود داشت.

اما از نظر فقهی و بر اساس اجتهاد از جمیع آیات و روایات و سنت نبوی شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از:

- ۱- اقدام کننده باید معروف و منکر را بشناسد و با علم نسبت به به معروف یا منکر بودن، اقدام کند.
- ۲- احتمال تأثیر بر مخاطب داده شود.
- ۳- تارک معروف یا عامل منکر قصد تکرار و استمرار عمل را داشته باشد.
- ۴- خسارت یا ضرر غیر قابل قبولی به امر به معروف یا نهی از منکر وارد نکند.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر مراتب و پله هایی دارد که در صورت تأثیر در هر مرحله نمی باید وارد مرتبه بعدی شد:

امام خمینی (ره): در صورت احتمال تأثیر و رفع منکر واجب است که به مرتبه اول اکتفا شود و همچنین در همان مرتبه اول واجب است به درجه ضعیف تر اکتفا شود.

۱- به دل

۲- به زبان

۳- به عمل

مراتب امر به معروف و نهی از منکر:

۱. مرحله قلبی:

انسان‌ها بطور طبیعی با دیدن کار خوب در دل خود، خوشحال شده و با دیدن کار بد ناراحت می‌شوند. ممکن است بعضی این خوشحالی و ناراحتی را بروز داده و بعضی دیگر آن را مخفی کنند؛ اما اگر ترک معروف یا انجام منکری را مشاهده کردیم، در مرحله اول باید ناراحتی خود را نسبت به آن ابراز کنیم. این کار می‌تواند روی هم گذاردن پلک‌ها، اخم کردن و چهره درهم کشیدن، روگرداندن، دوری کردن و... باشد. بیان امام خمینی(ره) درباره این مرحله: «در صورت احتمال تأثیر و رفع منکر، واجب است که به مرتبه (اول) که ذکر شد اکتفا شود، و همچنین در همان مرتبه اول واجب است که به درجه ضعیف تر اکتفا گردد و اگر اثر نکرد به درجه ضعیف تر بعدی منتقل شود و انکارش را از مختصر شروع کند و اگر تأثیر نگذاشت مقداری بیشتر کند.»

(ترجمه تحریر الوسيله ج ۲ ص ۳۱۱)

این کار برای فرد خطاکار باید نوعی تنبیه باشد. زیرا **هدف از ابراز تنفر، ایجاد نوعی زجر و شکنجه روحی در اوست؛ تا او با دیدن این رفتار ما، متوجه کار خود شده و آن را اصلاح کند.** البته نباید فراموش کنیم که این تنفر و انزجار باید نسبت به رفتار افراد باشد نه نسبت به شخص آنها.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر:

۲. مرحله زبانی:

باید با بیان خود و با گفت‌وگو کاری کنیم تا فرد خطاکار از کار اشتباه خود دست بردارد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «...عاملی که جامعه را اصلاح می‌کند، همین نهی از منکر زبانی

است.» (دیدار با بسیجیان، ۱۳۷۱)

امام خمینی (قدس سره) در این باره فرمودند: «اگر احتمال دهد که با موعظه و ارشاد و گفتار نرم، مقصود حاصل می‌شود، همان واجب است و تعدی از آن جایز نیست.» (ترجمه تحریرالوسیله ج ۲ ص ۳۱۳)

شرایط بیان خوب:

اول اینکه کلام باید متین و منطقی باشد نه مغالطه‌آمیز، بی حساب و بیهوده که طرف مقابل را سردرگم کرده و به سرکشی وا دارد. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «قرآن می‌فرماید: ادع الی سبیل ربّک بالحکمه (نحل ۱۲۵) حکمت، حکمت، حکمت، اندیشه مستحکم را تعبیر به حکمت می‌کنند. حکمت، که انبیا به آن ممتازند و از آن بندگان برگزیده و صالح است، همان فکر مستحکمی است که هیچ ابزار عقلانی نمی‌تواند آن را نفی کند و از بین ببرد... هیچ منگری هیچ مغرضی هیچ معاندی نمی‌تواند در ردّ آنها بکوشد.» (دیدار با روحانیون، ۱۳۷۵) «بعضی جوانان به ما نامه می‌نویسند که اجازه بدهید ما با این تظاهرات منکراتی، مقابله و مبارزه کنیم. خیلی خوب، مقابله بکنید؛ اما چطور؟ بریزید، طرف مقابل را تکه پاره کنید؟! نه، این نیست. حرف بزنید، بگویید؛ یک کلمه بیشتر هم نمی‌خواهد؛ لازم نیست یک سخنرانی بکنید.» (دیدار با دانش آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۰)

شرایط بیان خوب:

دوم اینکه نباید خشن، زننده و همراه با بداخلاقی باشد. رعایت ملایمت و نرمی در کلام، همراه با مردم داری باعث می‌شود تا بیان ما در دل انسانها بنشیند و امر الهی را با جان خود پذیرا باشند. امام خمینی(ره) در این باره می‌فرماید: «در باب امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مهمّات، همین رفق نمودن و مدارا کردن است. ممکن است اگر انسان مرتکب معصیت یا تارک واجبی را با شدت و عنف بخواهد جلوگیری کند، کارش از معصیت کوچک به معاصی بزرگ یا به رده و کفر منتهی شود؛ در ذائقه انسان امر و نهی تلخ و ناگوار است و غضب و عصبیت را تحریک می‌کند. **امر به معروف و ناهی از منکر باید این تلخی و ناگواری را با شیرینی بیان و رفق و مدارا و حسن خلق، جبران کند تا کلامش اثر کند و دل سخت معصیت کار را نرم و رام نماید.**» (شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۳۱۵)

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «...البته انسان نهی از منکر هم می‌کند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت... در خصوص امر به معروف و نهی از منکر حدیثی دیدم که از جمله چیزهایی که برای امر به معروف و ناهی از منکر ذکر می‌کند، «رفیق فیما یأمر و رفیق فیما ینهی» بود. امام صادق فرمودند: کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید در مواردی که امر و نهی می‌کند رفق و مدارا داشته باشد آن جایی که جای رفق است که غالب جاها هم از این قبیل است انسان باید با «رفق» عمل کند؛ برای اینکه بتواند با محبت آن حقایق را در دلها و در ذهنها جا بدهد و جایگزین

کند.» (دیدار با علمای خراسان شمالی، ۱۳۹)

شرایط بیان خوب:

سوم اینکه نرمی و ملایمت نباید به جایی برسد که حالت امر و نهی از بین برود. دستور دین به ما، امر و نهی است نه مماشات و خواهش و تمنا. لازم است در عین ملاطفت حالت آمرانه را از دست ندهیم زیرا فرد خاطی، مرتکب خطا شده و باید از او مطالبه شود که خطای خود را رها کند و طلب جز با امر یا نهی ممکن نیست. امر و نهی می تواند با نرمی و مدارا باشد و یا می تواند با خشونت و توهین. بیان مقام معظم رهبری مرز بین التماس کردن و امر و نهی را به زیبایی روشن می سازد:

«طرف امر به معروف و نهی از منکر فقط طبقه عامه مردم نیستند؛ حتی اگر در سطوح بالا هم هستند، شما باید به او امر کنید؛ نه اینکه از او خواهش کنید؛ باید بگویید: آقا! نکن؛ این کار یا این حرف درست نیست. امر و نهی باید با حالت استعلاء باشد. البته این استعلاء معنایش این نیست که آمران حتماً باید بالاتر از مأموران، و ناهیان بالاتر از منہیان باشند نه، روح و مدل امر به معروف، مدل امر و نهی است؛ مدل خواهش و تقاضا و تضرع نیست. نمی شود گفت که خواهش می کنم شما این اشتباه را نکنید؛ نه، باید گفت آقا! این اشتباه را نکن؛ چرا اشتباه می کنی؟ طرف، هر کسی هست بنده که طلبه حقیقی هستم از بنده مهم تر هم باشد، او هم

مخاطب امر به معروف و نهی از منکر قرار می گیرد.» (دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام، ۱۳۷۹)

مراتب امر به معروف و نهی از منکر:

۳. مرحله عمل

«مرحله سوم مرحله عمل است. گاهی طرف در درجه‌ای و در حالی است که نه اعراض و هجران ما تأثیری بر او می‌گذارد و نه می‌توانیم با منطق و بیان و تشریح مطلب، او را از منکر باز داریم، بلکه باید وارد عمل شویم؛ اگر وارد عمل شویم، می‌توانیم. چطور وارد عمل شویم؟ وارد عمل شدن، مختلف است. معنای وارد عمل شدن تنها زورگفتن نیست، کتک زدن و مجروح کردن نیست. البته نمی‌گوییم در هیچ جا نباید تنبیه عملی شود. بله، مواردی هم هست که جای تنبیه عملی است. اسلام دینی است که طرفدار حدّ است، طرفدار تعزیر است؛ یعنی دینی است که معتقد است مراحل و مراتبی می‌رسد که مجرم را جز تنبیه عملی چیز دیگری تنبیه نمی‌کند و از کار زشت باز نمی‌دارد. اما انسان نباید اشتباه کند و خیال کند که همه موارد، موارد سخت‌گیری و خشونت است.» (مجموعه آثار، ج ۱۷ ص ۲۴۵)

البته مرحله عملی امر به معروف و نهی از منکر در حکومت اسلامی بر عهده دستگاه‌های حکومتی است و دیگران نمی‌توانند به عنوان امر به معروف و نهی از منکر دست به اقدامات عملی بزنند زیرا این کار نیاز به رعایت حدود شرعی دارد و تشخیص و اجرای این حدود بر عهده افراد متخصص می‌باشد که از طرف حاکم شرع و ولی فقیه در جامعه اسلامی تعیین می‌شوند. زیرا در غیر این صورت هرج و مرج و بی‌نظمی و آشوب جامعه را فرا خواهد گرفت و سودجویان به بهانه امر به معروف و نهی از منکر به جان و ناموس و مال مردم دست درازی خواهند کرد. مقام معظم رهبری در پاسخ استفتاء شماره ۱۰۶۴ در کتاب اجوبه‌الاستفتائات می‌فرماید: «با توجه به این که در زمان حاکمیت و اقتدار حکومت اسلامی می‌توان مراتب دیگر امر به معروف و نهی از منکر را که بعد از مرحله امر و نهی زبانی هستند، به نیروهای امنیتی داخلی (پلیس) و قوه قضائیه واگذار کرد، به خصوص در مواردی که برای جلوگیری از ارتکاب معصیت چاره‌ای جز اعمال قدرت از طریق تصرف در اموال کسی که فعل حرام انجام می‌دهد یا تعزیر و حبس او و مانند آن نیست، در چنین زمانی با حاکمیت و اقتدار چنین حکومت اسلامی، واجب است مکلفین در امر به معروف و نهی از منکر به امر و نهی زبانی اکتفا کنند، و در صورت نیاز به توسل به زور، موضوع را به مسئولین ذی‌ربط در نیروی انتظامی و قوه قضائیه ارجاع دهند.»

امام علی (ع):

«مَنْ تَرَكَ انْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ»

کسی که انکار منکر را با قلب و دست و زبانش ترک کند مرده ای
میان زندگان است.

(تهذیب / ج ۶ / ص ۱۸۱)

امام باقر (ع) فرمود:

«یکون فی آخر الزمان قوم یتبع فیهم قوم مراؤون یتقرؤون و یتنسکون حداء سفهاء لا یوجبون امرا بمعروف و لا نهیا عن منکر الا اذا امنوا الضرر یتطلبون لانفسهم الرخص و المعاذیر، یتبعون زلات العلماء و فساد عملهم، یقبلون علی الصلاة و الصیام و ما لا یکلفهم فی نفسهم و لا مال، و لو اضرت الصلاة بسائر ما یعملون باموالهم و ابدانهم لرفضوها کما رفضوا اسمی الفرائض و اشرفها، ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فریضة عظیمه بها تقام الفرائض، هنالك یتیم غضب الله عزوجل علیهم فیعمهم بعقابه فیهلك الابرار فی دار الفجار و الصغار فی دار الکبار. ان الامر بالمعروف و النهی عن المنکر سبیل الانبیاء و منهج الصلحاء، **فریضة عظیمه بها تقام الفرائض** و تامن المذاهب و تحل المكاسب و ترد المظالم و تعمر الارض و ینتصف من الاعداء و یتستقیم الامر، فانکروا بقلوبکم و الفظوا بالسنتکم و صکوا بها جباههم و لا تخافوا فی الله لومه لائم فان اتعضوا و الی الحق رجعوا، فلا سبیل علیهم، انما السبیل علی الذین یظلمون الناس و یبغون فی الارض بغير الحق، اولئک لهم عذاب عظیم، هنالك فجاهدوا بابدانکم و ابغضوهم بقلوبکم غیر طالبین...حتی یفیئوا الی امرالله، قال: و اوصی الله عزوجل الی شعیب النبی (ع): انی معذب من قومک مائه الف، اربعین الفا من شرارهم و ستین الفا من خیارهم! فقال (علیه السلام): یا رب هؤلاء الاشرار، فما بال الاخبار؟ فواحی الله عزوجل الیه: داهنوا اهل المعاصی و لم یغضبوا لغضبی؛

در آخر الزمان مردمانی خواهند بود که ریا کاران پیرو آنانند. اینان به زبان [و نه در عمل، قرآن] قرائت کرده، راه بدعت گزاران نادان را خواهند پیمود. امر به معروف و نهی از منکر را واجب نمی دانند مگر اینکه ایمن از ضرر و زیان باشند و برای خود، عذر و بهانه می تراشند و دنباله رو لغزشهای علما و کردار فاسدشان هستند. نماز و روزه و هر چه را برای جان و مالشان ضرر نداشته باشد، به جا می آورند، اما اگر نماز و دیگر کارها، برای مال و جانشان ضرری داشته باشد، از آن شانه خالی می کنند، چنان که از والاترین و بزرگترین وظیفه سرباز می زنند؛ یعنی امر به معروف و نهی از منکر، که فریضه ای عظیم است و انجام دیگر تکالیف منوط به آن است.

خشم و غضب خدای عزوجل در این هنگام [که امر و نهی را ترک کنند] ظاهر شده، همگی را مجازات خواهد کرد. در نتیجه نیکان به همراه فاجران، و خردسالان همراه بزرگسالان هلاک و نابود خواهند شد. امر به معروف و نهی از منکر، راه پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه ای عظیم می باشد که انجام واجبات دیگر بسته به آن است. با امر و نهی، راه ها امنیت داشته، کار و کسب رونق می گیرد و ظلم برطرف گردیده، زمین آباد می شود و حق از دشمنان ستانده می شود و کارها استوار و پابرجا می گردد. پس با دل و زبان، نهی از منکر کنید و آن را بر پیشانی دشمنان بزنید و در راه خدا از سرزنش ملامتگران نهراسید.

اگر [امر و نهی تان را] پذیرفتند و به راه حق برگشتند، راهی بر آنان نیست. راه بر کسانی است که به مردم ستم می کنند و به ناحق در زمین، ظلم و جور می نمایند. برای اینان عذاب و مجازات بزرگی هست.

در این حال، با جسمتان در راه خدا جهاد کنید و بی آن که بدانان گرایشی داشته باشید، در دل با آنان دشمن باشید...تاوقتی که به راه خدا باز آیید. خداوند عزوجل به شعیب پیامبر وحی کرد: من صد هزار نفر از قومت را عذاب می کنم؛ چهل هزار از اشرار و شصت هزار از نیکانش را! شعیب عرض کرد: اشرار به جای خود، اما چرا نیکان؟! خدای عزوجل بدو فرمود: زیرا با معصیت کاران مبارزه نکرده، به خاطر خشم من بر گناهکاران، بر اینان سخت نگرفتند. کافی، ج ۵، ص ۵۵ - ۵۶، چ دارالکتب الاسلامیه.